



shariatkhoda.org

ضمیمه ۸d: احکام طهارت، چرا بدون معبد قابل اجرا نیستند

این صفحه بخشی از مجموعه‌ای است که احکام خدا را بررسی می‌کند؛ احکامی که فقط زمانی قابل اطاعت بودند که معبد در اورشلیم برپا بود.

- ضمیمه ۸a: احکام خدا که به معبد نیاز دارند
- ضمیمه ۸b: قربانی‌ها، چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸c: اعیاد کتاب مقدسی، چرا هیچ‌یک از آن‌ها امروز قابل اجرا نیست
- ضمیمه ۸d: احکام طهارت، چرا بدون معبد قابل اجرا نیستند (صفحه کنونی).
- ضمیمه ۸e: دهیک‌ها و نورانه‌ها، چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸f: آیین عشاء ربانی، شام آخر عیسی عید فصیح بود
- ضمیمه ۸g: احکام نذیر و نذرها، چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸h: اطاعت حزئی و نمادین مرتبط با معبد
- ضمیمه ۸i: صلیب و معبد

تورات شامل احکام دقیق و مفصلی درباره طهارت و ناپاکی آیینی است. این فرمان‌ها هرگز لغو نشدند. عیسی هرگز آن‌ها را باطل نکرد. اما خدا، در پاسخ به بی‌وفایی اسرائیل، معبد، مذبح، کهانت و سکونت آشکار خود را از میان قوم برداشت. به سبب این برداشته شدن، احکام طهارت امروز قابل اجرا نیستند.

هرچند ما موجوداتی ناتوان هستیم، خدا در محبت خود نسبت به قوم برگزیده‌اش، برای قرن‌ها حضور خویش را در میان اسرائیل برقرار ساخت (خروج ۱۵: ۱۷؛ دوم تواریخ ۶: ۲؛ اول پادشاهان ۸: ۱۲-۱۳). اما از سال ۷۰ میلادی به این‌سو، معبدی که در آن قدوسیت او آشکار و تجربه می‌شد دیگر وجود ندارد.

آنچه شریعت فرمان می‌داد

شریعت، وضعیت‌های حقوقی واقعی طاهر (טהור – tahor) و ناپاک (טמא – tamei) را تعریف می‌کرد. انسان می‌توانست به سبب واقعیت‌های عادی و اجتناب‌ناپذیر زندگی انسانی ناپاک شود: زایمان (لاویان ۱۲:۲-۵)، حیض و دیگر ترشحات بدنی (لاویان ۱۵:۱۹-۳۰)، و تماس با مرده (اعداد ۱۹:۱۱-۱۳). این وضعیت‌ها اعمال گناه‌آلود نبودند. هیچ تقصیر اخلاقی در آن‌ها وجود نداشت. آن‌ها صرفاً وضعیت‌های حقوقی بودند که نزدیک شدن به امور مقدس را محدود می‌کردند.

برای همه این وضعیت‌ها، شریعت همچنین فرایند تطهیر را مقرر کرده بود. گاه تنها انتظار کشیدن تا شامگاه کافی بود. در مواردی دیگر شست‌وشو لازم بود. و در برخی موارد، دخالت کاهن و قربانی ضرورت داشت. نکته این نیست که اسرائیل «احساس» ناپاکی می‌کرد. نکته این است که **خدا مرزهای واقعی پیرامون قدوسیت خود مقرر کرده بود.**

چرا این احکام اساساً وجود داشتند

نظام طهارت به این دلیل وجود داشت که **خدا در میان اسرائیل، در فضایی مقدس و مشخص، ساکن بود.** خود تورات دلیل آن را بیان می‌کند: اسرائیل باید از ناپاکی حفظ می‌شد تا مسکن خدا ناپاک نگردد و تا قوم در حالت ناپاک به حضور قدوس او نزدیک نشوند و نمیرند (لاویان ۱۵:۳۱؛ اعداد ۱۹:۱۳).

این بدان معناست که احکام ناپاکی، نه عادات سبک زندگی بودند و نه توصیه‌های بهداشتی. **آن‌ها احکام معبد بودند.** هدف آن‌ها همیشه یکسان بود: حفاظت از مسکن خدا و تنظیم دسترسی به آن.

معبد حوزه اقتدار بود، نه صرفاً یک مکان

مقدس فقط ساختمانی مناسب برای فعالیت‌های دینی نبود. آن عرصه حقوقی‌ای بود که بسیاری از احکام طهارت در آن اعتبار اجرایی داشتند. ناپاکی اهمیت داشت زیرا فضایی مقدس وجود داشت که باید محافظت می‌شد، اشیای مقدسی که باید نگهداری می‌شدند، و خدمتی مقدس که باید حفظ می‌گردید. معبد مرز حقوقی میان امر عادی و امر مقدس را ایجاد می‌کرد و شریعت خواستار حفظ این مرز بود.

وقتی خدا، در پاسخ به بی‌وفایی اسرائیل، مسکن خود را برداشت، شریعت خود را لغو نکرد. بلکه حوزه‌ای را که در آن بسیاری از احکام طهارت قابل اجرا بودند، برداشت. بدون مسکن، «نزدیک شدن» قانونی‌ای وجود ندارد که تنظیم شود، و فضای مقدسی هم نیست که از ناپاکی حفظ گردد.

احکام اصلی و مقررات مهار

لاویان ۱۵ شامل جزئیات فراوانی در سطح خانه است: بستر ناپاک، جای نشستن ناپاک، شست و شو، و وضعیت «ناپاک تا شامگاه». این جزئیات احکام مستقلی برای ایجاد یک سبک زندگی دائمی نبودند. آن‌ها مقررات مهاری بودند که تنها کارکردشان جلوگیری از رسیدن ناپاکی به مسکن خدا و آلوده کردن امور مقدس بود.

به همین دلیل است که این مقررات امروز به عنوان «اعمال عبادی» مستقل هیچ معنایی ندارند. بازسازی آن‌ها بدون معبدی که برای حفاظت از آن طراحی شده بودند، اطاعت نیست؛ تقلید نمادین است. خدا هرگز جانشینی برای نظام خود مجاز ندانست. **هیچ احترامی برای خدا در تظاهر به این که مسکن مقدس او هنوز برپاست وجود ندارد، در حالی که خود خدا آن را برداشته است.**

حیض معمولی

حیض معمولی در میان انواع ناپاکی‌های تورات منحصربه‌فرد است، زیرا قابل پیش‌بینی، اجتناب‌ناپذیر، و تنها با گذر زمان برطرف می‌شود. زن هفت روز ناپاک بود، و هرچه بر آن می‌خوابید یا می‌نشست ناپاک می‌شد؛ و هر که آن چیزها را لمس می‌کرد تا شام ناپاک بود (لاویان ۱۹: ۱۵-۲۳). اگر مردی در آن مدت با او در یک بستر می‌خوابید، او نیز هفت روز ناپاک می‌شد (لاویان ۱۵: ۲۴).

این ناپاکی منظم که با زمان برطرف می‌شد، نه به کاهن نیاز داشت، نه به قربانی و نه به مذبح. **هدف حقوقی آن محدود کردن دسترسی به فضای مقدس بود.** از همین رو، این احکام مانع زندگی روزمره نمی‌شدند و نیازمند نزدیکی دائمی به اورشلیم نبودند. وضعیت‌های طهارت و ناپاکی معنا داشتند زیرا مسکن خدا وجود داشت و دسترسی به آن توسط شریعت او تنظیم می‌شد. با برداشته شدن مسکن، این مقررات طهارت خانگی دیگر کاربرد حقوقی ندارند و بنابراین امروز قابل اجرا نیستند.

توضیح مهم: ممنوعیت روابط جنسی با زن در زمان حیض، حکمی کاملاً متفاوت است. این فرمان یک فرایند تطهیر نیست و برای معنا یا اجرای خود به معبد وابسته نیست (لاویان ۱۹: ۱۸؛ لاویان ۲۰: ۱۸). این ممنوعیت جنسی بسیار جدی است و فرمانی جداگانه است که همچنان باید امروز اطاعت شود.

خون‌ریزی غیرعادی

خون‌ریزی خارج از چرخه معمول حیض به گونه‌ای متفاوت طبقه‌بندی می‌شد و نیازمند تکمیل وابسته به معبد بود. زن در تمام مدت خون‌ریزی ناپاک بود، و پس از پایان آن می‌بایست روزها را بشمارد و سپس قربانی‌هایی نزد کاهن، در ورودی مقدس، بیاورد (لاویان ۲۵: ۱۵-۳۰). این یک دسته «صرفاً زمانی» نیست. این دسته‌ای وابسته به کاهن و قربانی است. بنابراین امروز قابل اجرا نیست، زیرا خدا نظام لازم برای تکمیل آن را برداشته است.

ناپاکی ناشی از مرده

تماس با مرده نوع شدیدی از ناپاکی را پدید می‌آورد که مستقیماً معبد را تهدید می‌کرد. تورات در این‌جا با نهایت جدیت سخن می‌گوید: شخص ناپاکی که مسکن را آلوده می‌کرد، می‌بایست از میان قوم بریده شود، و این آلودگی به‌عنوان تعرض مستقیم به فضای مقدس خدا تلقی می‌شد (اعداد ۱۹:۱۳؛ اعداد ۱۹:۲۰). وسایل مقرر برای تطهیر به ابزارهایی وابسته بودند که خدا تعیین کرده بود و به چارچوب فعال معبد متکی بودند. بدون حوزه اقتدار معبد، این دسته طبق فرمان قابل حل قانونی نیست.

چه چیزی با برداشته‌شدن مسکن خدا تغییر کرد

خدا معبد، مذبح و کهنات لوی را در داوری برداشت. با این برداشته‌شدن، نظام طهارت عرصه حقوقی خود را از دست داد. دیگر فضای مقدسی برای حفاظت وجود ندارد، نقطه نزدیک‌شدن قانونی‌ای برای تنظیم نیست، و کهناتی منصوب‌شده برای انجام اعمال لازم، هنگامی که شریعت دخالت کاهنی را می‌طلبد، وجود ندارد.

بنابراین هیچ‌یک از احکام تطهیر امروز قابل اجرا نیستند — نه به این دلیل که شریعت پایان یافته، بلکه به این دلیل که خدا حوزه‌ای را که به آن‌ها اعتبار حقوقی می‌بخشید، برداشته است. شریعت پابرجاست. معبد نیست.

چرا «تطهیر» نمادین نافرمانی است

برخی می‌کوشند نظام خدا را با آیین‌های شخصی، شست‌وشوهای «روحانی»، یا بازسازی‌های خانگی ساخته انسان جایگزین کنند. اما خدا هرگز جایگزینی را مجاز ندانست. اسرائیل آزاد نبود نسخه‌های تازه‌ای از تطهیر ابداع کند. اطاعت یعنی انجام دقیق آنچه خدا فرمان داده بود، در مکانی که او برگزیده بود، و به‌وسیله خادمانی که او منصوب کرده بود.

وقتی خدا ابزارهای اطاعت را برمی‌دارد، پاسخ وفادارانه تقلید نیست. پاسخ وفادارانه این است که آنچه خدا انجام داده را بپذیریم، اختراعات انسانی را رد کنیم، و احکامی را که در حال حاضر قابل اجرا نیستند محترم بشماریم.

نتیجه‌گیری

احکام طهارت هرگز لغو نشدند. آن‌ها وجود داشتند زیرا خدا در میان اسرائیل ساکن بود و دسترسی به حضور قدوس خود را تنظیم می‌کرد. در پاسخ به بی‌وفایی اسرائیل، خدا مسکن خود، معبد و کهنات را برداشت. به سبب این برداشته‌شدن، نظام طهارتی که بر معبد استوار بود امروز قابل اجرا نیست. ما هر آنچه هنوز قابل اطاعت است اطاعت می‌کنیم، و آنچه را که خدا ناممکن ساخته است با احترام به اعمال او و با خودداری از جایگزین‌کردن فرمان‌هایش با بدل‌های نمادین، گرامی می‌داریم.